



درس آیات الأحكام استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۳۹۲/۹/۲۵

موضوع کلی: آیات الأحكام (خمس)

مصادف با: ۱۳ صفر ۱۴۳۵

موضوع جزئی: غنیمت در روایات - طائفه اول و دوم

جلسه: ۱۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در آیه ۴۱ سوره انفال به اینجا رسید که این آیه ظهور دارد در اینکه منظور از ما غنمتم مطلق فائده و منفعت است، نه خصوص غنائم جنگی، اشکالاتی که مرحوم مقدس اردبیلی به این آیه داشتند ذکر و پاسخ داده شد. الآن نوبت بحث از غنیمت در روایات است، ما غنیمت را در استعمالات قرآنی مورد بررسی قرار دادیم و نتیجه این شد که در استعمالات قرآنی غنیمت هم در معنای مصطلح یعنی غنیمت جنگی استعمال شده و هم در معنای عام که اهل لغت برایش ذکر کرده اند که همان مطلق فائده و منفعت است.

غنیمت در روایات:

در روایات زیادی به مناسبتهای مختلف مشتقات ماده غنم وارد شده، یعنی روایاتی که این کلمه و مشتقاتش در آن ذکر شده زیاد است، بعضی در مقام بیان وجوب خمس و بعضی در مقام بیان متعلق خمس و بعضی در مقام بیان مصارف خمس هستند. غرض در این بخش ذکر روایاتی است که به نوعی در مقام بیان معنای غنم و غنیمت هستند، پس محدوده بحث مورد نظر ما این روایات است.

اینکه ما این روایات را در اینجا ذکر می کنیم دو جهت مورد نظر است:

یک جهت اینکه خود ائمه کاناوا من اهل اللسان، یعنی اینها عارف به لغت بلکه اعراف به لغت عرب بودند پس فی نفسه از این جهت، روایات می تواند مفید باشد یعنی یک جهت استناد ما به این روایات در این مقام برای کشف معنای غنم و مشتقاتش این است که ائمه، اهل لسان و لغت و بلکه اعراف به معنای این ماده هستند.

جهت دوم اینکه در محیط شرع و قانون شرعی و احکام شرعی ببینیم غنیمت در چه معنایی بکار رفته، پس کلمات ائمه، هم به عنوان مبین شرع و هم به عنوان عارف به لغت مهم است.

در این رابطه دو طائفه از روایات قابل استناد است.

طائفه اول:

روایت اول:

روایتی که از علی بن مهزیار در ذیل آیه ۴۱ سوره انفال وارد شده « وَ الْغَنَائِمُ وَالْفَوَائِدُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَهِيَ الْغَنِيمَةُ يَغْنَمُهَا الْمَرْءُ وَالْفَائِدَةُ يُفِيدُهَا وَالْجَائِزَةُ مِنَ الْإِنْسَانِ لِلْإِنْسَانِ الَّتِي لَهَا خَطَرٌ عَظِيمٌ وَالْمِيرَاثُ الَّذِي لَا يُحْتَسَبُ مِنْ غَيْرِ آبٍ وَ لَا ابْنٍ وَ مِثْلُ عَدُوٍّ

يُضْطَلَمُ فَيُؤْخَذُ مَالُهُ وَ مِثْلُ مَالٍ يُؤْخَذُ لَا يُعْرَفُ لَهُ صَاحِبُهُ^۱» در این روایت گفته شده غنیمت و فائده، بعد شروع کرده مواردی را که فائده و غنیمتی که نصیب انسان می شود توضیح داده، از جمله؛ جائزه ای که کسی به کسی می دهد و میراثی که به کسی می رسد یا عدوی که مالش اخذ می شود یعنی همه مواردی که به نوعی یک فائده و منفعتی در آن است مشمول عنوان غنائم و فواید کرده آن هم در ذیل آیه ۴۱ سوره انفال، پس تفسیر شده غنائم به فواید و اینطور نیست که دو چیز جدا باشند چون این را در ذیل این آیه آورده، **واعلموا انما غنمتم** این در واقع **ما غنمتم** را شرح می دهد و **ما غنمتم** همان غنائم و فوایدی است که انسان آن را بدست می آورد و چیزهایی که در جنگ به غنیمت می گیرد که در این موارد در همه عنوان **ما غنمتم** صدق می کند.

روایت دوم:

«عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حُكَيْمِ مُؤَدِّنِ بَنِي عَبْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ قَالَ هِيَ وَاللَّهُ الْإِفَادَةُ يَوْمَ بِيَوْمٍ إِلَّا أَنْ أَبِي ع جَعَلَ شَبِيعَتَنَا مِنْ ذَلِكَ فِي حِلٍّ لِيَزُكُوا^۲» اینجا هم **ما غنمتم** تفسیر شده به **الإفادَةُ يَوْمَ بِيَوْمٍ**، در اینجا دو جهت است یکی تفسیر **ما غنمتم** به مطلق آنچه که انسان بدست می آورد، فائده ای که نصیب انسان می شود، دیگری **يَوْمَ بِيَوْمٍ** که ممکن است این شائبه را در ذهن ایجاد کند که اگر این چنین است پس باید خمس روزانه واجب باشد، در حالی که اصل وجوب خمس به استناد این آیه ثابت می شود، **ما غنمتم** هم تفسیر می شود به **الإفادَةُ**، یعنی فائده ای که **يَوْمَ بِيَوْمٍ** فائده روزانه که نصیب انسان می شود، این مورد از این حیث که غنیمت و **ما غنمتم** را به معنای فائده ای که روزانه نصیب انسان می شود معنا کرده معلوم می شود که هر چیزی که بدست انسان برسد، این نه روز به روز بلکه ممکن است ساعت به ساعت هم بر آن صدق کند و بگوئیم **الإفادَةُ سَاعَتاً بِسَاعَةٍ** یعنی هر چیزی که نصیب انسان می شود، **يَوْمَ بِيَوْمٍ** در اینجا بیان گستردگی و شمول فائده است در همه ازمنه، اما اینکه خمس را باید چگونه پرداخت کند، بحث دیگری دارد، اینکه مؤونه سنه استثناء شود یا نه، ادله دیگری دارد که این دلیل با آن ادله تقیید می خورد و آنجا هم با ببینیم آن دلیل مقید که در آنجا مؤونه سنه را اخراج کرده آیا فقط در خصوص ارباح مکاسب اخراج کرده یا در مطلق فائده که در جای خودش باید بحث شود، (مثلاً در مورد غنیمت جنگی هست که استثناء مؤونه سنه واجب نیست، یعنی اینطور نیست که مازاد بر مؤونه سنه خمسش واجب باشد.) لذا **يَوْمَ بِيَوْمٍ** کاری به اداء و اخراج اصل خمس ندارد.

روایت سوم:

«فِي الْفَقْهِ الْمَنْسُوبِ إِلَى الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَكُلُّ مَا أَفَادَهُ النَّاسُ فَهُوَ غَنِيمَةٌ لَا فَرْقَ بَيْنَ الْكُنُوزِ وَالْمَعَادِنِ وَالْعَوَاصِرِ وَمَالِ الْفَيْءِ الَّذِي لَمْ يُخْتَلَفْ فِيهِ وَهُوَ مَا ادَّعَى فِيهِ الرَّحْصَةُ وَهُوَ رِبْحُ التِّجَارَةِ وَغَلَّةُ الضِّيْعَةِ وَسَائِرُ الْفَوَائِدِ مِنَ الْمَكَاسِبِ وَالصَّنَاعَاتِ وَالْمَوَارِيثِ وَغَيْرِهَا لِأَنَّ الْجَمِيعَ غَنِيمَةٌ وَفَائِدَةٌ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ تَعَالَى^۳» طبق این روایت هم غنیمت تفسیر شده به هر فائده ای که به انسان برسد و به موارد آن هم تصریح می کند ولی این روایت محل اشکال است که آیا این روایت منسوب به امام رضا (ع) هست یا نه؟

۱. تهذیب، ج ۴، ص ۱۴۱، ح ۳۹۸ / استبصار، ج ۲، ص ۶۰، ح ۱۹۸ / وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۰۱، باب ۸ از ابواب مایجب فیہ الخمس، ح ۵.

۲. تهذیب، ج ۴، ص ۱۲۱، ح ۳۴۴ / استبصار، ج ۲، ص ۵۴، ح ۱۷۹ / وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۶، باب ۴ از ابواب الانفال، ح ۸.

۳. فقه الرضا، ص ۲۹۴.

روایت چهارم:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنِ الْخُمْسِ فَقَالَ فِي كُلِّ مَا أَفَادَ النَّاسُ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ» این روایت موثقه است و روشن است که خمس کجا واجب است. روایت پنجم:

«وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَلَى كُلِّ امْرِيٍّ غَنِيمٍ أَوْ اِكْتَسَبَ الْخُمْسُ مِمَّا أَصَابَ لِغَاطِمَةَ (ع) وَ لِمَنْ يَلِي أَمْرَهَا مِنْ بَعْدِهَا مِنْ ذُرِّيَّتِهَا الْحُجَجِ عَلَى النَّاسِ...»^۲.

بررسی روایات:

روایت اول:

در مجموع روایت اول و دوم صراحت دارند در اینکه منظور از غنیمت مطلق فائده است، البته ممکن کسی بگوید این روایت مشتمل بر احکامی است که التزام به آنها مشکل است از جمله اینکه برای میراث خمس قرار داده.

روایت دوم:

اشکالی که به این روایت شده این است که مشتمل بر حکیم مؤذن بن عیسی است و این مشترک است بین کسی که معروف به کذب و غیر آن است.

روایت سوم:

از این جهت که اصل انتساب کتاب فقه به امام رضا (ع) محل اشکال است این هم خالی از اشکال نیست با اینکه دلالتش خوب است.

این سه روایت با اینکه دلالت خوبی دارند اما از نظر سندی چندان قابل اعتماد نیستند.

روایت چهارم:

این روایت در مقام تفسیر آیه نیست، سه روایت قبلی که بیان شد به نوعی در ذیل آیه غنیمت وارد شدند و ناظر به ما غنمتم در آیه است اما روایت چهارم در مقام تفسیر آیه و ما غنمتم نیست اما از آن استفاده عموم می شود.

روایت پنجم:

این هم مورد اشکال واقع شده به واسطه عبدالله ابن قاسم حضرمی چون نجاشی تضعیفش کرده و علامه هم تضعیفش کرده به عنوان اینکه این غالی است، اما صاحب جامع الروات ادعا می کند غالی نیست.

به هر حال اجمالاً می توان گفت در این روایاتی که اینجا ذکر شد به نوعی همه در مقام تفسیر ما غنمتم وارد شده اند یا غنیمت را توضیح داده اند، دلالت اینها خوب است اما اشکال در سند اینهاست، اگر ما ضعف سندی اینها را بپذیریم اینها می توانند به عنوان مؤید باشند و دلیل نیستند و یا به قرینه روایات دیگری که در باب خمس وارد شده بگوئیم مجموعاً می توانیم استفاده کنیم که یک تواتری در این روایات وجود دارد که به نوعی غنیمت و غنمتم به معنای عام و مطلق فائده و منفعت است نه خصوص غنیمت جنگی.

طائفه دوم:

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۵۷، ح ۱۱ / وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۰۳، باب ۸ از ابواب ما یجب فیه الخمس، ح ۶.

۲. تهذیب، ج ۴، ص ۱۲۴، ح ۳۴۸ / استبصار، ج ۲، ص ۵۵، ح ۱۸۰ / وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۰۳، باب ۸ از ابواب ما یجب فیه الخمس، ح ۸.

این روایات را از این جهت ذکر کردیم که معلوم شود غنیمت بر مطلق فائده قابل انطباق است ولی روایات دیگری داریم که در آنها مواردی که در آن خمس واجب است ذکر شده، مثلاً در ذیل آیه خمس، گفته که خمس در این موارد واجب است و موارد را هم که گفته فائده تجارات و مکاسب، غوص، کنوز و خود غنیمت به معنای خاص و اصطلاحی یعنی غنیمت جنگی ذکر شده، اینها روایات زیادی است که می تواند اینجا می تواند مورد استناد قرار گیرد که اینها همه به عنوان مصادیق غنیمتند چون در ذیل این آیه سؤالهایی شده و امام تفسیر نکرده اند که ما غنمتم یعنی چه، پس ذکر این موارد چیزی جز این را نمی رساند که اینها همه از مصادیق ما غنمتم هستند و در ذیل آن خود غنیمت هم ذکر شده.

پس مجموعه این روایات می تواند اثبات کند که مراد مطلق فائده و غنیمت است و به اعتبار این روایات است که می توان گفت که یک تواتر معنوی و اجمالی وجود دارد یعنی سند آن روایات که تفسیر کرده غنیمت و غنائم را، ضعیف است ولی این روایاتی که مصادیق ما غنمتم و وجوب خمس را ذکر کرده اند زیاد است لذا مجموعاً می توان ادعا کرد آنچه که از روایات استفاده می شود معنای عام است یعنی مطلق فائده.

«والحمد لله رب العالمین»